

## ما رو از نون خوردن ننداز

چند وقتی است که در یک شرکت پیمانکاری پروژه محور برای ساخت یک پالایشگاه نفتی به عنوان کارشناس آموزش HSE استخدام شده‌ام. اوایل پروژه است، فاز کانستراکشن<sup>۲</sup> عموم کارگرهای استخدامی، قالب‌بند، آرماتوربند، داربست‌بند، کارگر ساده‌ی عملیات خاک‌برداری و راننده‌ی ماشین‌آلات هستند. وظیفه‌ی من در این شرکت برگزاری کلاس آموزش ابتدایی برای کارگران جدیدالاستخدام به منظور رعایت الزامات HSE جهت جلوگیری از حوادث احتمالی و پیامدهای ناگوار آن است. اولین تجربه‌ی جدی کاری‌ام محسوب می‌شود. نه سابقه‌ی تدریس دارم و نه سابقه‌ی مهمی در صنعت. به کمک تحصیلات دانشگاهی و مطالعه‌های پراکنده، از پس مصاحبه با کارفرما برمی‌آیم و علی‌رغم نداشتن سابقه‌ی کافی، به استخدامم به صورت آزمایشی به مدت یک ماه رضایت می‌دهند.

شروع اولین صبح کاری؛ از سرویس شرکت که پیاده می‌شوم متوجه جدا بودن صف کارگران از صف کارمندان یا مهندسين می‌شوم. یک راست می‌روم توی صف طولانی کارگران. می‌دانم که امروز قرار است برای‌شان آموزش برگزار کنم. با کمی نگرانی از شغل‌شان می‌پرسم و دستگیرم می‌شود که امروز استخدامی‌های جدید قالب‌بند و آرماتوربند هستند. سریع و یواشکی دست به گوشی و اینترنت می‌شوم تا بل که مطلب مناسبی پیدا کنم. همکارم می‌آید و دستم را می‌گیرد و از صف بیرونم می‌کشد.

– اینجا چی کار می‌کنی؟! مگه اومدی کارگری؟! بیا تو صف مهندس‌ها

به دنبالش راه می‌افتم، با خودم می‌گویم مگر من کارگر نیستم؟! مگر او کارگر نیست؟! با رنگ پیراهن<sup>۱</sup> بین‌مان فرق گذاشته‌اند. آبی و سفید.

به گمانم مطالب خوبی برای آموزش پیدا کردم. قبل از این که کارگران برسند، مطالب را با خودم مرور می‌کنم. سندروم تونل کارپال. عجب اسم دهن‌پرکنی. حتماً با شنیدنش به وجد می‌آیند. نمایش تدریس را در کانکس خالی آموزش با خودم تمرین می‌کنم.

<sup>۱</sup> بهداشت، ایمنی و محیط زیست

<sup>۲</sup> Construction: مرحله اول هر پروژه مشتمل بر عملیات ساخت و ساز و ماقبل فاز پیش‌راه‌اندازی

خب دوستان عزیز! آیا می‌دانید که کار شما چه خطراتی برای سلامتی دارد؟! حرکات تکراری مچ دست شما در طول عملیات قالب بندی و آرماتوربندی به مرور زمان موجب سندروم تونل کارپال می‌شود یعنی اختلالات حسی و حرکتی در انگشتان دست که علائمی مانند کرختی، درد و پارستزی (گزگز) دارد و ...

خیالم کمی راحت می‌شود. جمعیت انبوهی از راه می‌رسند. به سختی در اتاق جا می‌شوند. نگاهی به چهره‌ها می‌اندازم. سنشان از بیست تا شصت سال به نظر می‌رسد. بعدها متوجه می‌شوم آن‌هایی که پیرتر بودند آن قدر هم سن و سالی نداشتند، مشقت سال‌های سخت زندگی کارگری ده تا پانزده سال پیرتر نشان‌شان می‌داد.

با استرس و لرزش دست و صدا، کلاس را شروع می‌کنم. کمی که مسلط‌تر می‌شوم با اعتماد به نفس خاصی از مطلب جدید رونمایی می‌کنم. میان حرف‌هایم پسر جوانی می‌گوید دستگاه‌هایی آمده که جایگزین انبرهای سنتی قالب‌بندی شده و دیگر به مچ دست آسیبی نمی‌زند و سرعت کار را هم خیلی بالا می‌برد. برای این که کم نیآورم فوراً می‌گویم:

- بله! بله! چه ایده‌ی خوبی! اتفاقاً با رئیس کارگاه صحبت کردم و قرار بر این شد که چند تا از این دستگاه‌های جدید برای رفاه حال شما خریداری بشه.

ناگهان پیرمردی از عقب کلاس می‌شورد.

- این کار را نکنید!

یکه می‌خورم و با تعجب می‌پرسم:

- چرا؟!!

- رفیق‌امون بیکار میشند.

حرفش را نمی‌فهمم.

- چطور؟! همیشه بیش‌تر توضیح بدید لطفاً؟!!

- با این دستگاه‌ها سرعت کار میره بالا، کاری که کارفرما می‌خواد توی یک روز انجام بشه، توی یک ساعت انجام میشه. قبلاً اگر واسه یک کار ده دوازده تا کارگر استخدام می‌کرد، با این دستگاه‌ها حالا همون کار با یکی دوتا کارگر انجام میشه. نکن آقا! نکن! ما رو از نون خوردن ننداز!

حرف‌های پیرمرد عین مشقت محکمی به گیج‌گامی می‌خورد. کلاس را زودتر از همیشه تعطیل می‌کنم. یاد نقل قولی می‌افتم که می‌گفت: « پیشرفت‌های تکنولوژیک هیچ‌گاه از رنج و محنت کارگران نکاسته‌اند، بلکه همیشه در

خدمت کسب سود بیش تر برای صاحبان سرمایه بوده‌اند.» اما حالا که پای سلامت جسمانی کارگران در میان است،  
مردد می‌شوم. چاره چیست؟!

نه می‌توان به خاطر سود بیش تر سرمایه‌دار، تن به استفاده از ابزارهای جدید داد، نه می‌توان از سلامت کارگر  
گذشت. ابزار مدرن باید در خدمت آسان‌سازی کار کارگر باشد نه در خدمت کسب سود بیش تر. آیا می‌توان کارگران  
را در برابر صاحب سرمایه، متحد و یک‌دل ساخت تا همان کار را با ابزار جدید و در همان زمان قبلی انجام دهند  
تا کارگری از کار بی‌کار نشود؟! آیا می‌توان ساعت کاری را کاهش داد؟! ورود به این سطح از مبارزه‌ی کارگران  
چطور باید اتفاق بیفتد؟! تنها سازماندهی منسجم کارگران در راستای تشکیل سازمان کارگری و پیوند دادن  
مبارزه‌ی صنفی با مبارزه‌ی سیاسی طبقه کارگر می‌تواند پاسخ‌گوی سؤالات فوق باشد.